

ابراهیم از باب نامک

مسعود عباسی حامد

پیش از این (در قسمت اول) به معرفی ابراهیم علیه السلام و تولد وی و چگونگی آن پرداختیم و حال:
 ❁ احتجاجات حضرت ابراهیم علیه السلام:

«و کذلک نری ابراهیم ملکوت السّمَاوتِ و الارضِ و لیکون من المؤمنین» (۱)

و این چنین ملکوت و حکومت مطلقه الهی بر آسمانها و زمین را به ابراهیم نشان دادیم تا اهل یقین شود.
 ابراهیم با مطالعه و اندیشه در آثار و آیات پروردگار و ارتباط و همبستگی آنها دریافت که همه‌ی این موجودات را خدایی واحد و آفریدگاری ثابت و ازلی، حکیم و دانا، قدیر و توانا و سمیع و بیناست و حکومت مطلقه‌ی زمین و موجودات آن در دست حضرت ابراهیم علیه السلام با سر و مرحله‌ی یقین رسید.

آری، بر خلاف قوم و سراب‌ها و زرق و برق‌ها، و تقلید کورکورانه بودند، علم و حکمت الهی و با قلبی یعنی: کوه و سرزمین اور به سوی مردم شهر با استفاده از بهترین روش تبلیغ و طرح سؤال‌های پُر محتوا، به راهنمایی و بیدار کردن آنان پرداخت و ابتدا از آنان اعتراف گرفت که کارشان جز تقلید کورکورانه چیز دیگری نبوده است. صحنه‌ای از مباحثات ابراهیم را باعمو و خانواده‌اش پیرامون بت پرستی در سوره شعراء: آیات: ۶۹ تا ۷۴ - مریم: آیات: ۴۱ تا ۵۰ آمده است.

یکتاپرستی یا پرستش خدایان از نظر باستان‌شناسی: «و اِذْ اَحْذَرَبِكُمْ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ و اَشْهَدُهُمْ عَلٰى اَنْفُسِهِمْ اَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلٰى شَهِدْنَا»

از نظر ادیان توحیدی. بشر فطرتاً یکتاپرست بوده و به تدریج از پرستش خدای یکتا به شرک و بت‌پرستی روی آورده است و پیامبران آمده‌اند که او را از شرک به توحید باز گردانند. (۳)

آیه‌ی فوق، تصویری از عالم ذر (قبل از تولد انسانها) ارائه می‌دهد که خداوند از فطرت یا روان آنها می‌پرسد: «اَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ؟» آیا من رب (مالک، مولی، مدبّر و مربّی) شما نیستم؟ و آنها به خدای یکتا پاسخ مثبت می‌دهند و خداوند از آنها پیمان می‌گیرد تا مبادا از توحید و ربوبیت خدای یکتا به شرک روی آورند.

در سال‌های اخیر بعضی از جامعه‌شناسان خواسته‌اند این جریان را معکوس جلوه دهند و بگویند اعتقاد به وجود خدایان متعدد ابتدایی‌ترین شکل دیانت بوده است. اما باستان‌شناسی ثابت



مجله تخصصی نوجوانان و جوانان قرآنی - ابراهیم علیه السلام از باب نامک

کرده است که پیشرفت و تکامل همیشه حتمی و ضروری نیست و همواره رشد و ترقی بشر با فراز و نشیب همراه بوده است.

تا کنون بارها آثار و بقایای تمدن‌هایی از زیر خاک بیرون آورده‌اند که شکوه و عظمت آنها، روزگاری چشم جهانیان را خیره می‌ساخته است، ولی پس از چندی معدوم شده و در زیر خاک دفن شده‌اند. گویی قاعده کلی تمدن این بوده که با انحطاط همراه شود. بنابراین، تصور اینکه؛ یکتاپرستی چون عالی‌ترین شکل دیانت است، دیرتر از پرستش خدایان متعدد بوجود آمده، دارای مبنای علمی و باستان‌شناسی نیست. پروفیسور شمیدت، اهل وین (اتریش) در کتابی که با عنوان مبادی رشد دیانت، انتشار داده است، از مطالعات و تحقیقات باستان‌شناسی در سراسر جهان نتیجه می‌گیرد که طبق قرائن موجود، عموم انسان‌ها، ابتدا به یک خدا و حیات جاویدان عقیده داشته‌اند. و در اثر انحطاط فکری و اخلاقی به پرستش خدایان متعدد پرداخته‌اند و پیامبرانی مانند: حضرت نوح علیه السلام و ابراهیم علیه السلام می‌کوشیدند که مردم را به توحید و یکتا پرستی بازگردانند. دانشمند دیگری به نام سرتپولوپازرنوف مترجم کتاب مصری آموات می‌نویسد: "متجاوز از پنج هزار سال قبل در دره نیل اعتقاد به یگانگی خدا پدیدار شد." (۴)

❁ پرستش بت و ستاره در بین النهرین:

از عهد کهن تا کنون بت و بت پرستی رونق بسیار داشته است؛ چنانکه حفاری‌های باستان‌شناسان نشان می‌دهد، بشر از خورشید و ماه و ستارگان تا سنگ و چوب و فلز و حیوانات را مورد پرستش قرار داده‌اند و نخستین پیام همه‌ی پیامبران الهی، دعوت مردم به خدا پرستی و نفی بت و شرک و چندگانه پرستی بوده است. در عین حال، حتی در عصر ما با آن همه پیشرفت علمی، فرهنگی، باز خیل کثیری از مردم دنیا، گرفتار پرستش انواع بت‌ها هستند.

تاریخ بت و بت پرستی با سوابق طولانی خود این نکته را به ما می‌آموزد که عشق به معبودی که سرچشمه‌ی کمالات می‌باشد، در نهاد و فطرت هر انسانی ریشه دار است، ولی در راه جستجوی کمال بنا سراسر هابی مواجه می‌شود که آنها را آب می‌پندارد و به آنها دل می‌بندد و در نتیجه، از رسیدن به سرچشمه‌ی کمال باز می‌ایستد. به عبارت دیگر، بسیاری از انسان‌ها چنان توجه خود را به ظواهر و شرایط بیرونی دین معطوف ساخته‌اند و بدان اتمس پیدا می‌کنند که از محتوای آن دور می‌مانند و یا تنها حرکات و الفاظی را طوطی وار از پدر و مادر تقلید می‌کنند. در صورتی که هر دین و مکتبی آنچه را که از پایه می‌دهد، پر محتواست و نسل اول، هر شعاری که سر می‌دهد و هر عملی که به انجام می‌رساند، محتوای آن را در مد نظر قرار می‌دهد و آنها را با بصیرت به جای می‌آورد؛ اما نسل‌های بعد تنها حرکات و الفاظ را از پدر و مادر تقلید می‌کنند. این تقلید کورکورانه را قرآن کریم مذمت نموده است. "اگر به ایشان گفته شود که پیروی از شریعت و کتابی که خدا فرستاده، کنید؛ پاسخ دهند که ما پیرو آیین پدران خود خواهیم بود، آیا بایست آنها تابع پدران خود باشند؟ در صورتی که آنها بی عقل و نادان بوده و هرگز به حق و راستی راه نیافته‌اند."

"آنچه باعث شد مردم مکه از دین ابراهیم علیه السلام به پرستش بت‌ها و سنگ‌ها روی آورند، این بود که هر قبیله‌ای از مکه کوچ می‌کرد، قطعه سنگی از حرم با خود می‌بردند و برای بزرگداشت حرم و دلبستگی به مکه، هر جا وارد می‌شدند، آن سنگ را می‌نهادند و دور آن به طواف می‌پرداختند ... و



بنا بر عادت موروثی که از ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام به ایشان رسیده بود، حج و عمره به جای می آوردند. سپس؛ رفته رفته این عمل، آنان را به پرستش آنچه دوست می داشتند، کشانید و فراموش کردند آنچه را که بر آن بودند؛ یعنی دین ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام را دگرگون ساختند و بت‌ها را پرستیدند! (۶)

مهمترین عامل رواج بت و بت پرستی در جهان بعد از جهل و تقلید کورکورانه، دسیسه‌های استعمارگران و ستعمارکاران تاریخ است؛ زیرا محتوای دین، آنها را از ظلم، تجاوز، بی عدالتی، کم فروشی، صرف مال در راههای حرام، شهوت رانی و قتل و غارت باز می دارد، و لازمه‌ی آن راه شیطانی که

طاغوتیان در پیش گرفته اند، تکذیب دین واقعی و ترویج انواع بت‌های زرین و زیبا و هیاکل آراسته به جای خدای زنده، و آینه کاری و تذهیب گنبد و بارگاه نمه به جای خود پیامبر و امام زنده و رهنمودهای آنان، و تزئین هر چه بیشتر جلد و کاغذ و چاپ کتاب خدا به جای محتوای آن است.

با توسل به چنین دستاویزهاست که طاغوت‌ها به اغفال مردم می پردازند و خود را طرفدار دین وانمود می کنند؛ حال آن که آن بت‌ها و ظواهر و مظاهر بی روح دین، کاری به آن همه ظلم، تجاوز، فساد و فحشای آنها نخواهد داشت.

در سوره‌ی اعراف، آیه ۸۵، میان بت پرستی و تجاوز به حقوق مردم و فساد در اجتماع؛ ارتباط و پیوندی ارایه شده است که، نسبت مستقیم دارند:

۱- «مَالِكُمْ مِنْ آلِهَةٍ غَيْرِهِ» چرا به معبودهایی جز خدای روی آورده اید؟

۲- «وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ» از حقوق مردم چیزی مکاهید.

۳- «وَلَا تَفْسُدُوا فِي الْأَرْضِ» در زمین فساد نکنید.

مردم بابل به خدایانی معتقد بودند که به تصور آنان در کرات آسمانی منزل داشتند، و از این رو هر ستاره ای را مظهر یکی از صفات ربوبی و مفسر و ترجمان اراده‌ی آنها می دانستند و چنین فکر می کردند که اگر ستارگان را رصد کنند، می توانند به مشیت خدایان پی ببرند و از حوادث آینده با خبر شوند. آنان برای هر کس ستاره و طالعی قایل بودند و روی آن طالع، غیبگویی و پیش بینی‌هایی می کردند. (۷)

قوم حضرت ابراهیم علیهما السلام در اور - بابل؛ معتقد به خدایی خورشید و ماه و ستارگان در آسمان و بت‌ها به نمایندگی از آنها در زمین بودند.

خورشید را خدای بزرگ و مریخ را گذشته از جنبه الوهیت، فرزند اهورا مزدا می دانستند.

ستاره پرستان بابل، خورشید و ماه و پنج سیاره را مسکن و مظهر قدرت خدایان تصور می کردند و معتقد بودند که ستارگان در خیر و شر و سود و زیان مردم موثرند، از این رو برای تقرب به خدایان، برای هر ستاره بتی می ساختند و در بتکده‌ها مورد پرستش قرار می دادند و برای آن قربانی

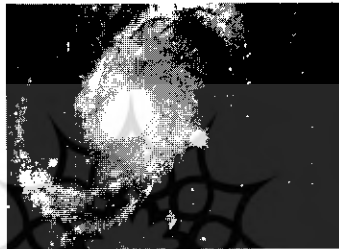
می کردند. آنها در نقاط مختلف آتشکده‌های بسیاری بنا کرده بودند که همیشه فروزان و مورد تقدیس و احترام مردم بود و در آن همه روزه بخور دود می کردند.

بابلیان برای دست یافت به پیشگویی و طالع بینی، ماه و خورشید و پنج سیاره شناخته شده آن زمان را به خدایی می شناختند و از روی حرکات آنها از آینده خبر می دادند. گفته می شود تقسیم هفته به هفت روز از کلدانیان است؛ زیرا در هفته یک روز را به ستایش خورشید، یک روز را به ستایش ماه و پنج روز دیگر را به پرستش پنج سیاره ای که می شناختند، اختصاص داده بودند. (۸)

اکنون در پرتو نور قرآن به سرزمین حضرت ابراهیم علیه السلام شهر اور - بابل می رویم و ستاره پرستان و بت پرستان بین النهرین و مبارزه حضرت ابراهیم علیه السلام قهرمان بت شکن تاریخ را از نظر می گذرانیم:

❁ جنبه هدایت و تربیت خورشید، ماه و ستاره:

در قدیم؛ بسیاری از مردم، ماه و خورشید و ستارگان را نه تنها راهنمای خود در مسافرت‌ها می دانستند و به عنوان آنها استفاده می کردند و آنان را حیوانات و انسان موثر هدایت تشریعی نیز از آنان نظافت و طهارت را از شفافیت زبردستان و زکات را از پرتو ماه به کلیه نیازمندان، و حرکات طواف و سعی حج را از حرکات وضعی و انتقالی سیارات الهام می گرفتند. (۹)



و از سوی دیگر، بسیاری از امور را نیز با علم نجوم پیش بینی می کردند. در آیات بعد می بینیم که ابراهیم علیه السلام به این جنبه‌های تربیتی و هدایتی اجرام آسمانی اعتراف می کند و می گوید: "هذاربی؛ اما عملاً به آنان نشان می دهد که این هدایت‌ها و تربیت‌ها موسمی، موقت و ناقص و غیر ثابت بوده و انسان را از تربیت و هدایت کامل و دایمی خداوند، بی نیاز نمی گرداند.

خداوند به حضرت داوود علیه السلام وحی فرمود: "برای مردم در حلم، مانند زمین زیر پایشان، در سخاوتمندی، مانند آب روان و در رحمت، همانند خورشید و ماه باش که بر خشکی و دریا طلوع می کنند." (۱۰)

❁ احتجاج با ستاره پرستان :

(بر اساس آیات قرآن کریم (۱۱) و کتاب عبری عُصْنُ الْأَدَب (۱۲) و سیف‌هیار شاه (۱۳))

حضرت ابراهیم علیه السلام وقتی که ستاره فروزان زُهره یا مشتری را در آسمان می بیند که ستاره پرستان در برابرش زانو زده و آن را عبادت می کنند، برای این که توجه آنان را به خود جلب کند و در جهت هدف خویش برانگیزد، تا به سخنانش گوش فرا دهند، در آغاز کار با آنان همگام و همصدا می شود و می گوید: "این رب (مربی و هدایتگر) من است."

ولی تا بامدادان صبر می کند و آنگاه که ستاره غروب کرد و ناپدید شد، استدلال مؤثر خود را برای آنها بازگو می کند و در حالی که همه سرپا گوش‌شند تا نظر او را بشنوند، اظهار می دارد:

"إِنِّي لَا أَحِبُّ الْأَفْلِينَ" من پدیده‌هایی را که غروب می‌کنند و ناپدید می‌گردند. دوست ندارم. "مسلماً؛ خدا باید جامع همه‌ی کمالات و منزه و مبرا از هر گونه نقصی باشد تا فطرت کمال جوی آدمی او را دوست بدارد و تحت ربوبیت و سرپرستی‌ش درآید و ستاره و ماه و خورشید که هر سه از خانواده غروب کنندگان هستند، نواقصی دارند که فطرت سالم و بی نظیری همچون فطرت ابراهیم علیه السلام نمی‌تواند آنها را به عنوان معبود بپذیرد:

- ❁ غروب کنندگان اسیر زمانند؛ زمانی هستند و زمانی نیستند.
- ❁ غروب کنندگان اسیر مکانند؛ در جایی هستند و در جایی نیستند.
- ❁ غروب کنندگان حادث و در معرض تغییر و تبدیل و فسادند.
- ❁ غروب کنندگان در حال گردش و نیازمند به گرداننده و محکوم قوانین وی هستند.
- ❁ غروب کنندگان تأثیرشان به روی ساکنان زمین محدود و موقت است.
- ❁ غروب کنندگان وفاداری ندارند و ساکنان زمین را در تنهایی می‌گذارند.
- ❁ غروب کنندگان هدایت و راهنمایی و روشنایی‌شان محدود است و انسانها را در تاریکی و گمراهی رها می‌سازند.
- ❁ غروب کنندگان غروب و خسوف و کسوف و مرگشان برای انسان غمناک و یأس آور است.
- ❁ غروب کنندگان متعدّدند و باید در برابر هر یک به نحوی خضوع کرد.
- ❁ بنا به معتقدات ستاره پرستان در برابر بت‌های ستارگان اُفول گر باید انسان را قربانی کنند.
- ❁ در مقابل، خدای ابراهیم علیه السلام از همه این نقایص و منزه بوده و جاوید و همیشگی است:
- ❁ خدایی که هیچ گاه بندگان خود را تنها نمی‌گذارد.
- ❁ خدایی که همواره بندگان خود را تحت حمایت و مشمول هدایت خود قرار می‌دهد.
- ❁ خدایی که بندگان خود را از تاریکی‌ها به سوی نور می‌برد؛ نوری که در آن ظلمت راه ندارد.
- ❁ خدایی که نه هرگز اُفول و غروب می‌کند و نه می‌میرد.
- ❁ خدایی که هیچ گونه نیازی به زمان و مکان و گرداننده ندارد.
- ❁ خدایی که یکتا و بی نظیر و بی همتاست و نیازی به شریک ندارد.
- ❁ خدایی که بندگان خود را در غم و اندوه و یأس و نومیدی نمی‌گذارد.
- ❁ خدایی که بندگان‌ش در پیشگاه او از قربانی شدن معافند.

فلیل آسا بره مق را طلب کن شبی را روز و روزی را به شب کن

❁ احتجاج با ماه پرستان:

سه شب اول هر ماهی را هلال می‌نامند و از آن پس عنوان قمر را تا آخر ماه درباره آن به کار می‌برند. قمر را چون دارای سفیدی است قمر می‌نامند. و حمار اُقمر به معنی: حمار آبیض می‌باشد. (۱۴)

با ماه پرستان داشت، با جمع اینکه آنان را به سوی حجت و طلوع کرد گفت: "این رب و تقویم آسمانی، هدایتگر



ابراهیم علیه السلام در نشستی که آنان هم صدا شد و برای دلیل پیش ببرد، وقتی ماه خداوندگار من است." (ماه

مسافران شبگرد، روشنی بخش کلبه‌ها و مونس صاحب‌دلانی می‌باشد.؛ اما وقتی ماه در تاریکی و محاق فرو رفت، اظهار داشت: "اگر پروردگارم مرا راهنمایی نکند مسلماً از گمراهان خواهم بود." کنایه از این که راهنمایی و هدایت ماه بسیار محدود و غیر ثابت و موقت است و انسان را از هدایت پروردگاری بی‌نیاز نمی‌گرداند.

✿ احتجاج با خورشید پرستان:

روحانیون بابل، خورشید را به عنوان اله و معبود می‌پنداشتند. حضرت ابراهیم علیه السلام در احتجاج با قوم خود، عقاید مشرکان را تحت آزمون قرار داد و او کار خود را به ترتیب، ابتدا از بت‌ها که نماینده اجرام آسمانی بودند، شروع کرد و بعد از ستاره که معبود کوچک بود به ماه، معبود متوسط و آنگاه به خورشید، که به زعم آنان معبود بزرگ و منشأ سایر الهه‌ها بود، روی آورد و اظهار داشت: "این پروردگار من است، این بزرگتر است؟" آری، خورشید هم از نظر حجمی بزرگتر از ماه و دیگر سیارات است و هم از نظر تأثیر بر روی موجودات زمینی و هدایت و روشنائی؛ چرا که ماه و سیارات دیگر نور خود را از خورشید می‌گیرند و پیدایش ابر و باران و رویش گیاهان و زندگی گرمی و روشنائی حیوانات و انسان به خورشید وابسته است.

اما همین معبود که از ماه و ستارگان بزرگتر و مهمتر بود، غروب کرد. ابراهیم علیه السلام گفت: "ای قوم من از آنچه شما شریک خدا قرار می‌دهید، بیزارم."

این بیزاری، همانطور که قبلاً گفته شد، می‌تواند از چند جهت باشد:

✿ **أفول و غروب، خود نقصی است که فطرت کمال جوی انسان از آن گریزان است و نسبت به آن دچار دلزدگی می‌شود.**

✿ **وقتی سرکرده سایر الهه‌ها یعنی خورشید، أفول و غروب می‌کند و رو به زوال می‌گذارد، انسان را نه تنها در مورد خورشید بلکه در مورد ماه و ستارگان و بت‌ها نیز دچار یأس و نومیدی می‌سازد.**

گر کشندت نیمه شب فورشید کو تا بنالی یا امان فواهی ازو
و آن زمان معبود تو غایب شود و آن زمان معبود تو غایب شود

✿ **ترس از طبیعت، منشأ شرک:**

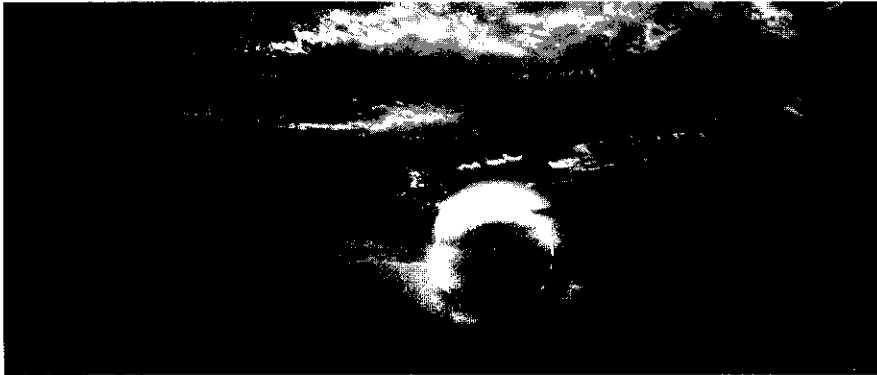
حضرت ابراهیم علیه السلام قوش را به سرچشمه‌ی شرک می‌برد و برای آنان استدلال می‌کند که منشأ شرک و بت پرستی، جهل و ترس از طبیعت مخصوصاً ستارگان و ماه و خورشید است.

مردم قدیم درباره ستارگان تصورات و پندارهای ترسناک داشتند؛ از ایزرو هر دسته ای را به یکی از جانوران وحشتناک تشبیه و نامگذاری کرده بودند، مانند: ثعبان (افعی، اژدها) حیثه (مار)، عقرب، دَب اکبر (خرس بزرگ)، دَب اصغر (خرس کوچک)، سگ بزرگ، سگ کوچک، ثور (گاو وحشی)، نهنگ، غول، سرطان (خرچنگ)، عقاب، شُع (درنده)، جبار، اسد (شیر)، سوسمار و ... منشأ و سابقه نامگذاری صورت‌های فلکی را دانشمندان از ساکنان دره فرات یعنی سرزمین حضرت ابراهیم علیه السلام در حدود ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد دانسته‌اند. (۱۵)

«فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»

"... کدامیک از دو گروه (ایمان و شرک) برای برخورداری از امنیت و مصونیت از ترس (از طبیعت و غیره) سزاوارتر است اگر علم بیابید." (۱۶)

به هنگام کسوف کامل، آسمان در روز آن قدر تاریک می‌شود که می‌توان ستارگان را مشاهده کرد. این منظره برای مردم قدیم سخت تکان دهنده بود؛ از این رو بسیاری از اقوام به هنگام خورشید گرفتگی (کسوف) یا ماه گرفتگی (خسوف) طبل و دهل می‌کوبیدند تا از دهای غول پیکری را که به گمان آنان در صدد بلعیدن ماه یا خورشید برآمده بود، بترسانند.



از آیات فوق چنین بر می‌آید که قوم ابراهیم علیه السلام آن حضرت را از تصورات خیالی خود درباره ستارگان و ماه و خورشید که آنها را شریک خدا قرار داده بودند، بر حذر می‌داشتند. حضرت ابراهیم علیه السلام برای مردم استدلال کرد که خداوند مرا هدایت کرده و من با هدایت الهی دریافته‌ام که تمامی این ستارگان و ماه و خورشید و حرکات و تغییراتشان همه از آیات الهی است و تربیت تکوینی و حرکات و سکنتات و دگرگونی‌های آنها به دست توانای او است؛ بنابراین هیچ یک از اجرام آسمانی از خود اراده‌ای ندارند تا مخوف و ترسناک باشند مگر اینکه خداوند بخواهد به وسیله‌ی آنها ایجاد رعب کند و علم خداوند به همه چیز احاطه دارد و هر حادثه‌ای چون خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی همه از روی علم و حکمت الهی است و آنقدر حساب شده انجام می‌گیرد که دانشمندان این حوادث را، حتی در رأس ثابیه وقوع، پیش بینی می‌کنند.

ادامه دارد....

پی نوشت‌ها:

- ۱- انعام: ۷۵.
- ۲- اعراف: ۱۷۲.
- ۳- دکتر جان الدر، باستان شناسی کتاب مقدس، ص ۲۵.
- ۴- دکتر بی‌آزار شیرازی، باستان شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن، ص ۶۱.
- ۵- بقره: ۱۷۰.
- ۶- ابومنذر هشام بن محمد سائب کلی، الأضنام، ص ۳، چاپ ۱۳۴۸.
- ۷- فرهنگ قصص قرآن، ص ۳۴.
- ۸- فرهنگنامه بابل، ص ۲۲۹.
- ۹- ابن طفیل، حی بن یقظان.
- ۱۰- بحارالانوار به نقل از تنبیه الخواطر.
- ۱۱- انعام: ۷۵ تا ۷۸.
- ۱۲- شیط موسر، عصن الادب، ۱۷۲۹، ص ۱۰۹ تا ۱۱۱ چاپ ترکیه، از مر.
- ۱۳- سفر هیبار شاه، فصل نوح.
- ۱۴- ابوالحسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۳۲۳.
- ۱۵- دائرة المعارف فارسی، ج ۲، ص ۱۵۸۸.
- ۱۶- انعام: ۸۲.